

خسونتِ اسلامی

چرا از این همه خسونت تعجب کرده‌اید؟

حسین آبکنار

در آبان ۹۸ حکومت جمهوری اسلامی برای چندمین بار دست به کشتار وحشیانه مردم معترض در خیابان‌ها زد. مردم فقیر شده و جان به لب رسیده‌ای که این بار برای گران شدن سبزی و حبوبات، در بیش از صد شهر ایران به خیابان‌ها آمده بودند تا اعتراض کنند. کشتار و سرکوب این بار شدیدتر و خشن‌تر بود. نزدیک به هزار نفر کشته، و هزاران نفر دستگیر شده! بین کشته شده‌ها نوجوان‌های سیزده چهارده ساله هم بودند؛ یا مثلاً تنها در یکی از شهرها ماهشهر- مردمی را که از ترس گلوله به نیزارها فرار کرده بودند با مسلسل‌هایی که پشت وانت سوار کرده بودند به رگبار بستند! ملاها و پاسداران، اینترنت را هم قطع کرده بودند تا در تاریکی و بی‌خبری جهانی، مردم را قتل عام کنند و فیلم و خبری به بیرون نرسد.

اما چرا بسیاری از ایرانی‌ها و غیر ایرانی‌ها از این میزان خسونت شگفت‌زده شدند؟ آیا انتظار نداشتند که حکومت جمهوری اسلامی شیعه تحت رهبری خامنه‌ای، این اندازه خسونت به کار ببرد؟ مشابه همان کشتارهای خمینی و حافظ اسد و بشار اسد و صدام حسین و قذافی و طالبان و داعش و سپاه قدس و حزب الله و حوثی‌ها و حشدالشعبی؟ خسونت در کشور اشغال شده ایران چیز عجیبی نیست. هر چند خواندن و شنیدن اخبار قتل عام و دیدن عکس‌ها و ویدئوها و بدن‌های غرق در خون و فریادها و گریه‌های داغداران، تکان‌دهنده و هولناک است، اما از یک دیکتاتوری مذهبی انتظار دیگری نباید داشته باشیم، آن هم از نوع اسلامی‌اش، و در این مورد خاص، از نوع شیعه.

خسونت در اسلام و قرآن به صراحت بیان و تایید و تاکید شده. مثلاً در سوره توبه: «کافرانی که نزد شمايند را بکشيد، تا در شما دُرشتی و شدت را بپايند.» یا در سوره بقره: «کشتن برای شما مقرر شده است، اگر چه آن براي تان ناگوار است...» همچنین است در سوره مائده و خیلی جاهای دیگر. مگر نه اینکه از صفات برجسته خدایشان، قهار و انتقامجو بودن اوست، و مدام از غضب خداوند می‌گویند؟

فقه اسلامی هم با تفسیرهای تندروانه چیزهای جدیدتری به آن خسونت‌ها افزوده است، و فقه شیعه نیز در مواردی تندتر و خشن‌تر. در روایات اسلامی آمده که حضرت علی با شمشیرش آنقدر آدم کُشت که تا زانو در خون بود. خمینی در یکی از سخنرانی‌هایش در اول انقلاب در توجیه کشتار مخالفینش می‌گوید: «حضرت علی هفتصد نفر را در یک‌روز سر بُريد.» یا امام دوازدهم‌شان، که می‌گویند هزار و سیصد و اندی سال است غایب است و وقتی ظهور کند دو سوم مردم را خواهد کشت! و به روایتی پنج نفر از هر هفت نفر را!

شلاق و قطع دست و پا و دار زدن و تبعید کردن از احکام صریح و روشن اسلام است. قطع دست و پای دزدان کوچک را که بسیار شاهد بوده‌ایم در این سال‌ها. یا سنگسار زن و مردی که خارج از دایره دین با هم عشق‌بازی کرده‌اند؛ چاله‌ای می‌کنند و آنها را تا سینه در آن گودال می‌اندازند و آنقدر سنگ به آنها می‌زنند تا بمیرند. حکم همجنس‌گرایی هم اعدام است؛ یا به روایتی پرت کردن از بلندی تا بمیرند. احتمالاً داعش را به یاد می‌آورید که در ویدئویی یک همجنس‌گرا را از بالای ساختمانی پرت کردند. اگر کسی مشروب بخورد بار اول و دوم شلاقش می‌زنند اما سومین بار حکمش اعدام است. یا مثلاً سب‌النبی؛ یعنی اگر کسی به پیغمبر و امامان توهین کند اعدامش می‌کنند. در اسلام اگر کسی به خدا اعتقاد نداشته باشد کافر است و ریختن خورش حلال است؛ اصطلاحاً مهدورالدم است، و بر هر مسلمانی واجب است که او را بکشد؛ و قاتل مجازات هم نمی‌شود. اگر کسی دینش را تغییر دهد، مثلاً اگر مسلمان است و مسیحی بشود، حکمش اعدام است. اصطلاحاً به آنها می‌گویند

نوکیشتان مسیحی؛ که خیلی‌هایشان الان سال‌هاست که در زندان‌های جمهوری اسلامی اسیرند. آزار و اذیت و کشتن بهایی‌ها نیز مجاز است. آنها را به دانشگاه و ادارات راه نمی‌دهند. اموال و دارایی‌ها و مغازه‌هایشان را ازشان می‌گیرند. حتی قبرستان‌هایشان را تخریب می‌کنند و جنازهٔ مردگان‌شان را از قبر بیرون می‌آورند! شوهرانی که به‌خاطر ناموس زن‌هایشان را می‌کشند، یا پدرانی که به نام غیرت دختران‌شان را می‌کشند، تیرئه می‌شوند.

خشونت در ایران بعد از انقلاب اسلامی چیز عجیبی نیست. اوایل انقلاب اکثر افسران نظامی و سناتورها و وزرای دولت شاه اعدام شدند. حتی شهردار تهران را اعدام کردند به این دلیل که گفتند نتوانسته بود آلودگی هوای تهران را برطرف کند! و هر روز عکس اعدامی‌ها با بدن‌های لخت تیرخورده را در روزنامه‌ها چاپ می‌کردند تا همه ببینند. بعد نوبت به شکنجه‌ها در زندان رسید و اعتراف‌گیری‌ها و پخش اعترافات از تلویزیون. هنوز دو سال از انقلاب نگذشته بود که جنگِ خانمان‌سوزی با عراق به راه انداختند و صدها هزار جوان ایرانی را به کشتن دادند. نوجوان‌ها را تشویق و تهییج می‌کردند تا درس و مشق و مدرسه را رها کنند و اسلحه دست بگیرند و در قالب بسیجی به جبهه بروند و شهید شوند. گزارش‌های زیادی هست که با وعدهٔ رفتن به بهشت، آنها را وامی‌داشتند روی مین بروند تا برای نیروها گذر باز کنند! یا عملیاتِ بزرگی را با آنکه لو رفته بود متوقف نکردند و یک‌شنبه هزاران کشته بر جا گذاشتند. ملاها و سپاهیان و مذهبی‌ها زیر بار فشارهای داخلی و خارجی نرفتند و قطعه‌نامه‌های شورای امنیت را نپذیرفتند و تن به صلح ندادند و هشت سال آن جنگ را طولانی کردند که هر روز و هر ساعتش عده‌ای بی‌گناه کشته می‌شدند. در زمان جنگ در شهرهای آرام هم بیکار ننشستند و تمام گروه‌های سیاسی از کمونیست‌ها و چریک‌های فدایی تا توده‌ای‌ها و مجاهدین، همه را قلع و قمع کردند. حتی آنهایی را که هوادار سادهٔ این سازمان‌ها بودند و حکم چند سال زندان داشتند، اعدام کردند تا مملکت را از افکار غیر اسلامی پاکسازی کنند. اوج این قتل‌عام‌ها در تابستان سال ۶۷ بود که بیش از سه هزار نفر را یک‌شنبه اعدام کردند تنها با این سوال: «آیا هنوز سر موضع هستی؟ آیا مسلمانی؟» به دختران کم سن و سالِ زندانی که باکره بودند، تجاوز می‌کردند و بعد اعدام‌شان می‌کردند، تا به بهشت نروند! چون طبق آموزه‌های اسلامی‌شان دختران باکره به بهشت می‌روند. با تهدید و تطمیع از مردم و خانواده‌ها می‌خواستند که فرزندان و آشنایان‌شان را که مخالف حکومت و اسلام بودند لو بدهند. یادمان هست که مادران چادری را که بچه‌های خودشان را لو داده بودند و اعدام شده بودند پای تلویزیون می‌آوردند تا با افتخار اعلام کنند که خودشان به خاطر اسلام و انقلاب، فرزندان‌شان را لو داده‌اند. آخوندهایی امثال آیت‌اله گیلانی و آیت‌اله جنّتی و آیت‌اله حسنی، حتی بچه‌های خودشان را که گرایش‌های سیاسی متفاوت داشتند اعدام کردند. بعضی‌هایشان هم امثال حسن روحانی و محسن رضایی و علی ربیعی... در برابر قتلِ مشکوکِ بچه‌هایشان در تسویه‌حساب‌های حکومتی، سکوت کردند تا قدرت و جایگاهِ سیاسی‌شان را از دست ندهند.

جمهوری اسلامی به همین کارهای مخوف در داخل کشور بسنده نکرد. تروریست‌هایی را به اروپا و آمریکا و دیگر کشورها فرستاد تا اپوزیسیون‌های خارج‌نشین از جمله بختیار و فرخزاد و برومند و... را در بیرون از مرزها ترور کنند. گاهی‌گاهی نیز در تجمع‌ها و سفارت‌ها و هتل‌ها بمب‌گذاری می‌کردند برای کشتن اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها و کوردها و مخالفین‌شان. اینها حتی نقشهٔ ترور وزیر خارجه عربستان را هم کشیده بودند که لو رفت.

در چند مرحله نیز سرکوب‌های خیابانی انجام شد؛ در سال ۷۸ ماجرای کوی دانشگاه و جنبش دانشجویی، سال ۸۸ ماجرای تقلب در انتخابات و جنبش سبز، سال ۹۶ اعتراضات مردم گرسنه، سال ۹۸ قیام مردم پا برهنه و گرسنه و به‌جان آمده. و دی‌ماه ۹۸ هوایمای مسافربری اوکراین را با موشک سپاه سرنگون کردند و ۱۷۶ نفر را کشتند.

از حکومتی که حتی به پسران این سرزمین در زندان‌ها تجاوز می‌کند - زندان کهریزک حکومتی که زندانی را تا سر حد مرگ شکنجه می‌کند - ستار بهشتی - حکومتی که توی خیابان‌هایش هر روز دختران را به خاطر نوع لباس و حجاب‌شان کتک می‌زند، حکومتی که برای گروه‌های تندرو و تروریستی امثال حزب‌الله و حشد الشعبی و حوثی‌ها اسلحه و مهمات و موشک و پهپاد ارسال می‌کند، حکومتی که به کشورهای سوریه و عراق نیروی نظامی و لباس شخصی می‌فرستد تا مردم معترض آن

کشورها را سرکوب کنند، حکومتی که زن و مرد و کودکان را تشویق می‌کند تا به تماشای اعدام‌های خیابانی بایند... آیا جای تعجب است این خشونت‌هایی که این‌بار به کمک دوربین موبایل‌های مردم عادی، جهانیان هم شاهدش بودند؟ اینها هنوز از تمام توان سرکوب‌شان استفاده نکرده‌اند. اگر دنیا چشمش را به این خشونت‌ها ببندد، اگر اروپایی‌ها به جای توجه به جنایت‌ها و نقض حقوق بشر باز فقط به فکر تجارت با مالاها باشند، اگر بخشی از مردم ایران باز هم سکوت کنند... و اگر اینها باز فرصت مناسبی برای سرکوب و قتل عام پیدا کنند، از هر هفت نفر پنج نفر را می‌کشند. به قول خمینی: «آنهايي که مي‌گویند اسلام نباید آدم‌کشی بکند آدم‌های نفهمی هستند که معنی اسلام را نفهمیده‌اند. باید آنقدر کشت تا اسلام پیاده شود.»

چند روز پیش، مهسا امینی ۲۲ ساله را هم کشتند. بعد حدیث را کشتند. بعد حنا نه را کشتند. بعد غزاله را کشتند. بعد یکی دیگر را... بعد یکی دیگر را...

به تاریخ ۱۴۰۱ سال خشونت اسلامی